

تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های عبدالزهرء حسینی خطیب و صبری ابراهیم السید درباره منابع نهج البلاغه

مطالعه موردی: سخنان مشترک (منتسب به دیگران)

سعید شفیعی خوزانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

چکیده

پژوهش‌گران معاصر تلاش‌های گسترده‌ای برای شناسایی منابع و اسناد نهج البلاغه انجام داده‌اند. عبدالزهرء حسینی خطیب با نگارش کتاب مصادر نهج البلاغه و آسانیده اثری ارزشمند در ردیابی منابع سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه ارائه کرده است. صبری ابراهیم السید، پژوهش‌گرد دیگری است که با نگاهی انتقادی به نهج البلاغه، برای یافتن منابع بیشتر آن کوشیده است. هدف این مقاله، بررسی رویکرد این دو پژوهش‌گر به منابع نهج البلاغه است. با توجه به گستردگی موضوع، تنها متونی از نهج البلاغه تحلیل می‌شوند که در منابع پیش از سید رضی (م ۴۰۶ ق) به افرادی جز امام علی (ع) منتسب شده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش، از میان هجده خطبه‌ای که صبری ابراهیم السید آن‌ها را به دیگران نسبت داده، هشت مورد صحیح و ده مورد نادرست است. بخشی از این تشخیص‌های نادرست به استقرار ناقص بازمی‌گردد، اما بخشی دیگر از باورهای آشکار یا پنهان مؤلف نشأت می‌گیرد. همچنین، بررسی روش استناد در مصادر نهج البلاغه و آسانیده نشان می‌دهد که عبدالزهرء حسینی خطیب در بسیاری از موارد به شروط تعیین شده برای منابع پایبند بوده، اما در پاره‌ای موارد چنین نیست یا با فرض‌هایی به اشکالات پاسخ داده که از نظر تاریخی اثبات‌پذیر نیستند. **کلیدواژه‌ها:** عبدالزهرء حسینی خطیب، صبری ابراهیم السید، منابع نهج البلاغه، سخنان مشترک (منتسب به دیگران).

۱. درآمد

گذشته از شارحان اولیه نهج البلاغه، مانند ابن ابی الحدید، و عالمانی چون علامه محمد

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث (s.shafiei@ut.ac.ir).

باقر مجلسی که در بحار الأنوار به برخی منابع و مستندات سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام اشاره کرده‌اند، پژوهش‌گران معاصر تلاش‌های گسترده‌ای برای شناسایی منابع و اسناد نهج البلاغه انجام داده‌اند. سید عبدالزهره حسینی خطیب با تألیف کتاب چهارجلدی مصادر نهج البلاغه و آسانیده اثری ارزشمند در ردیابی منابع سخنان امام علی علیه السلام ارائه کرده است. صبری ابراهیم السید، پژوهش‌گر دیگری است که با نگاهی انتقادی به نهج البلاغه، برای یافتن منابع بیشتر آن کوشیده و در بسیاری از موارد، دقیقاً مشخص کرده است که هر منبع کدام بخش از مطالب نهج البلاغه را در بر دارد. این ویژگی امتیازی است که در بسیاری از آثار پیشین دیده نمی‌شود.

هر دو پژوهش‌گر در زمانی به نگارش آثار خود پرداخته‌اند که استفاده از نرم‌افزارهای پژوهشی رایج نبوده و دسترسی به منابع با دشواری‌هایی همراه بوده است.^۱ در دهه‌های اخیر، انتشار کتاب‌ها و منابع جدید، و ارائه چاپ‌هایی از آثار پیشین با نمایه‌ها و فهرست‌های جامع، یافتن مطالب را آسان‌تر کرده است، حال آن‌که در گذشته چنین امکانی محدود بود. از این رو، بخشی از خطاها یا ناتوانی در یافتن سخنان امام علی علیه السلام در منابع، موجه است. با این حال، رویکرد بی‌طرفانه پژوهش‌گران، رعایت دقت‌های علمی، و پرهیز از تعصبات مذهبی و فرقه‌ای، ویژگی‌ای است که یک اثر را شایسته تقدیر می‌سازد. هدف این مقاله، بررسی رویکرد این دو پژوهش‌گر معاصربه منابع نهج البلاغه است. با توجه به گستردگی مطالب نهج البلاغه، مطالعه موردی این پژوهش به متونی محدود شده است که در منابع پیش از سید رضی به افرادی جز امام علی علیه السلام منتسب شده‌اند.

۲. معرفی دو کتاب

۲-۱. مصادر نهج البلاغه و آسانیده

سید عبدالزهره حسینی خطیب کتاب چهارجلدی مصادر نهج البلاغه و آسانیده را با مقدمه‌ای مفصل آغاز می‌کند که بخش عمده جلد نخست را در بر می‌گیرد. وی ابتدا

۱. کتاب حسینی خطیب از سال ۱۹۶۶م/۱۳۸۶ق، توسط ناشرانی در لبنان و عراق چاپ شده است و اثر صبری ابراهیم، سال‌ها پس از آن در ۱۹۸۶م/۱۴۰۶ق (= ۱۳۶۴ یا ۱۳۶۵ش). اما صبری ابراهیم از کتاب حسینی خطیب بهره نبرده و برای نظرات شیعه درباره نهج البلاغه، به آثار هبة الله شهرستانی (ما هو نهج البلاغه؟ ۱۳۵۲ق)، هادی کاشف الغطاء (مدارک نهج البلاغه: ۱۳۵۴ق، و مستدرک نهج البلاغه: ۱۳۵۴ق)، امتیاز علی عرشی (استناد نهج البلاغه) و بیشتر به کتاب مصادر نهج البلاغه: ۱۹۷۲م، تألیف عبدالله نعمة ارجاع می‌دهد.

گزارش‌هایی ارائه می‌دهد تا نشان دهد در زمان سید رضی (م ۴۰۶ق) کتاب‌ها و منابع فراوانی در دسترس بوده، اما بسیاری از آن‌ها در پی حملات مغول، تاتار، یا دیگر رویدادهای تاریخی نابود شده‌اند. از این رو، نمی‌توان انتظار داشت که تمامی مصادر نهج البلاغه با تمام الفاظ و عبارات آن‌ها، امروزه در دسترس باشند. حسینی خطیب سپس به روش گردآوری سید رضی در تألیف نهج البلاغه پرداخته و آن را بررسی می‌کند^۱ و آنگاه درباره منابع نهج البلاغه سخن می‌گوید. سید عبدالزهراء حسینی خطیب منابع خود را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

الف) منابعی که پیش از سال چهارم هجری قمری (سال تألیف نهج البلاغه) نگاشته شده، اکنون در دسترس‌اند و مستقیماً از آن‌ها نقل شده است؛^۲

ب) منابعی که پیش از نهج البلاغه نوشته شده‌اند، اما اکنون در دسترس نیستند و به صورت غیرمستقیم از آن‌ها نقل شده است؛^۳

ج) کتاب‌هایی که پس از سید رضی تألیف شده‌اند، اما سخنان امیرالمؤمنین (ع) را با اسناد متصل نقل کرده‌اند و سید رضی یا نهج البلاغه در سلسله اسناد آن‌ها قرار ندارد؛^۴

د) کتاب‌هایی که پس از رضی نگاشته شده‌اند، اما سخنان امام علی (ع) را به گونه‌ای متفاوت از نهج البلاغه روایت می‌کنند و هیچ نشانه‌ای از اتکا به نهج البلاغه در آن‌ها وجود ندارد.^۵

۱. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج ۱، ص ۱۹ - ۲۹.

۲. درباره منابع دسته الف، که پیش از سال چهارم هجری قمری (زمان تألیف نهج البلاغه) نگاشته شده و اکنون در دسترس‌اند، می‌توان گفت که در صورت اثبات وجود این آثار در زمان سید رضی، حتی اگر مؤلف آن‌ها ناشناخته باشد، قابل اعتماد هستند. این اعتماد شامل کتاب‌هایی مانند الإمامة و السياسة، منسوب به ابن قتیبه و اثبات الوصیة، منسوب به مسعودی نیز می‌شود. گرچه در انتساب این دو اثر به مؤلفانشان تردیدهای جدی وجود دارد، اما ظاهراً وجود آن‌ها پیش از زمان سید رضی مورد تردید قرار نگرفته است.

۳. منابع این دسته را در صورتی می‌توان معتبر دانست که الفاظ متن مورد بحث را روایت کنند. شاید شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید بهترین نمونه برای این گونه منابع باشد.

۴. منابع دسته ج نیز معتبرند، زیرا اعتبار در این جا به معنای اثبات وجود روایتی از امام علی (ع) در زمان سید رضی است و وجود سند این اعتبار را تأمین می‌کند. منابعی مانند حلیة الأولیاء ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ق)، تاریخ مدینة دمشق ابن عساکر (م ۵۷۱ق)، و بسیاری از منابع حدیثی و تاریخی متأخر که روایات خود را با سند یا از منابع دیگر نقل کرده‌اند، در این دسته قرار می‌گیرند.

۵. منابع این دسته تنها در صورتی معتبر شمرده می‌شوند که قرینه‌ای کافی برای عدم نقل از نهج البلاغه وجود داشته باشد؛ به این معنا که بتوان با استدلالی تاریخی یا متنی نشان داد متن از نهج البلاغه یا دیگر آثار سید رضی گرفته نشده است. بسیاری از آثار ادبی معاصر یا نزدیک به زمان سید رضی، مانند نشر الدرآبی (م ۴۲۱ق) و زهر الآداب قیروانی (م ۴۵۳ق)، دارای این ویژگی هستند. همچنین، برخی مؤلفان مطالب خود را از منابعی در سنت فکری و اعتقادی خود نقل کرده‌اند، مانند خطبه ۷۹ نهج البلاغه که در دو سنت متفاوت روایت شده است؛ یکی توسط محدثان شیعه و دیگری در آثار عرفانی و صوفیانه سده‌های سوم هجری به بعد. بنابراین، حتی روایت غزالی (م ۵۰۵ق) از این خطبه ارتباطی با نهج البلاغه ندارد، زیرا از منابع صوفیانه اهل سنت اخذ شده است.

حسینی خطیب از ۱۱۴ منبع در دسته‌های اول و دوم نام برده و افزوده است که منابع دسته‌های سوم و چهارم در بخش‌های بعدی معرفی خواهند شد.^۱

وی در ادامه به آثاری می‌پردازد که درباره سخنان امیرالمؤمنین (ع) نوشته شده‌اند و به ترتیب تاریخی، منابع پیش و پس از نهج البلاغه را معرفی می‌کند.^۲ سپس، به تفصیل شبهات مرتبط با نهج البلاغه را بررسی می‌کند؛ ابتدا سخنان ابن خلکان را مطرح و پاسخ می‌دهد، سپس به شبهات دیگری از جمله نسبت سخنان به صحابه، وصی و وصایت، اطناب و ایجاز، سجع و تنمیق، دقت در توصیف و تقسیمات عددی، علم غیب، زهد و ذم دنیا، توصیف زندگی اجتماعی، سخنان مشترک، و افزوده‌های نهج البلاغه می‌پردازد.^۳

حسینی خطیب همچنین به معرفی شروح نهج البلاغه پرداخته و ۱۱۱ شرح را نام می‌برد که نخستین آن‌ها اعلام نهج البلاغه تألیف علی بن ناصر، از معاصران سید رضی است. وی سپس کتاب‌هایی را که درباره نهج البلاغه نوشته شده و نیز مستدرکات آن را معرفی می‌کند. در پایان، شرح مختصری از زندگی و شخصیت شریف رضی ارائه می‌دهد.^۴

۲- ۲. نهج البلاغة نسخة جديدة محققة و موثقة تحتوي ما ثبتت نسبته للإمام علی (رضی الله

عنه و کرم الله وجهه) من خطب و رسائل و حکم

صبری ابراهیم السید کتاب خود را با عنوانی مفصل و مقدمه‌ای نسبتاً جامع تحت نام «تمهید» آغاز می‌کند. در این مقدمه، اشکالات و شبهات مطرح شده درباره نهج البلاغه و پاسخ‌های آن‌ها را گزارش کرده است. وی شبهه انتساب نهج البلاغه به سید مرتضی را صراحتاً رد می‌کند،^۵ اما درباره دلایل تشکیک در نسبت خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها به امام علی (ع) کمتر موضوعی شفاف اتخاذ می‌کند. صبری ابراهیم در مقدمه به سه دیدگاه خود اشاره دارد:

- (۱) تعریض و کنایه‌های امام علی (ع) به خلفا را نمی‌پذیرد و از این رو خطبه شقشقیه را رد می‌کند؛
- (۲) سجع و آهنگ در سخنان امیرالمؤمنین (ع) را تنها در صورتی که کلام از آغاز تا پایان مسجع نباشد، می‌پذیرد؛

- (۳) برخی خطبه‌ها یا جملات نهج البلاغه را دارای غرض مذهبی یا حزبی می‌داند.^۶

۱. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج ۱، ص ۲۹-۴۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۲-۹۹.

۳. همان، ص ۱۰۰-۱۹۹.

۴. همان، ص ۲۵۵-۲۷۹.

۵. نهج البلاغة: نسخة جديدة...، ص ۱۳-۲۰.

۶. همان، ص ۶۶-۶۷.

مؤلف سپس به مواردی از نهج البلاغه که به دیگران منتسب است یا تکراری اند پرداخته و متون آن را به پنج دسته تقسیم می کند:

(۱) متونی که نسبت آن ها به امام علی علیه السلام اثبات شده است (۴۴/۵) درصد خطبه ها، ۶۵/۸ درصد نامه ها، ۲۶/۹ درصد حکمت ها، ۴۴/۴ درصد غریب الحدیث)؛

(۲) متونی که تنها شیعیان روایت کرده اند (۱۳/۳) درصد خطبه ها، ۶/۳ درصد نامه ها، ۱۰/۴ درصد حکمت ها)؛

(۳) متونی که هیچ منبعی روایت نکرده است (۲۵/۸) درصد خطبه ها، ۲۶/۶ درصد نامه ها، ۵۱/۵ درصد حکمت ها، ۵۵/۶ درصد غریب الحدیث)؛

(۴) متونی که به دلایلی، نسبت آن ها به امام علی علیه السلام مشکوک است (۹/۸) درصد خطبه ها و یکی از حکمت ها)؛

(۵) متونی که به دیگران منسوب شده اند (۶/۶) درصد خطبه ها، یکی از نامه ها، ۱۱ درصد حکمت ها).

۳. پیشینه

ظاهراً درباره کتاب مصادر نهج البلاغه و آسانیده تألیف عبدالزهره حسینی خطیب، اثر آکادمیکی منتشر نشده است، اما در مورد کتاب صبری ابراهیم السید، دو نقد وجود دارد: نخست، پایان نامه ای با عنوان «نقد و بررسی روش دکتر صبری ابراهیم السید در نهج البلاغه» و دوم، مقاله ای با عنوان «تحلیل نقدی آراء و افکار صبری ابراهیم السید فی تحقیق نهج البلاغه». نویسندگان پایان نامه بیان می کنند که صبری ابراهیم در تقسیم بندی پنج گانه مطالب نهج البلاغه، روشی مبتنی بر سه محور بررسی اسناد، مصادر کهن، و نقد متن به کار برده است، اما این روش دو نقص جدی دارد: الف) به صورت یکسان در همه بخش های نهج البلاغه اعمال نشده است؛ ب) در تطبیق قواعد این سه محور بر مطالب نهج البلاغه، دچار خطاهای آشکاری شده که تحت تأثیر تعصبات مذهبی، اعتقادات خاص، و حب و بغض است.

نویسندگان مقاله دوم، ضمن ستایش تلاش های صبری ابراهیم در تخریج مطالب نهج البلاغه از منابعی مانند وقعة صفین و العقد الفرید و رعایت امانت و دقت در نقل و اسناد، اثر او را دارای خطاها و کاستی هایی می دانند، از جمله: الف) تقطیع مطالب و حذف بیش از پنجاه درصد آن ها، به گونه ای که کتاب با نهج البلاغه سید رضی تفاوت بسیار دارد؛ ب) شماره گذاری جدید خطبه ها، نامه ها، و حکمت ها که با شماره گذاری های رایج نهج البلاغه

مغایر است؛ ج) انتقال یا حذف نظرات سید رضی از ذیل مطالب به پاورقی‌ها، که گاه به خطا یا حذف تفسیر رضی انجامیده است؛ د) تعصبات دینی و مذهبی، که مثلاً در حذف خطبه شقشقیه آشکار است.

این مقاله می‌کوشد رویکرد حسینی خطیب و صبری ابراهیم را با معیارهای پذیرفته‌شده خودشان تحلیل و نقد کند، یعنی بررسی پابندی آن‌ها به شرایط تعیین‌شده برای منابع. تقسیم‌بندی حسینی خطیب از منابع پیش‌تر بیان شد، اما صبری ابراهیم به صورت موجز اظهار می‌کند که متون تنها در صورتی معتبرند که علمای شیعه و سنی بر صحت نسبت آن‌ها به امام علی علیه السلام اجماع داشته باشند.^۱ از این رو، در کمتر از نیمی از بخش‌های نهج البلاغه که در نسخه او باقی مانده‌اند، علاوه بر منابعی مانند البیان و التبيين، العقد الفرید، الأخبار الطوال، وقعة صفین، تاریخ الطبری، و حلیه الأولیاء، به آثاری چون تاریخ یعقوبی، الإمامة و السياسة، و حتی المحاسن برقی به عنوان منابع معتبر برای سخنان امام علی علیه السلام ارجاع می‌دهد.^۲

۴. سخنان مشترک (منتسب به دیگران) در نهج البلاغه

بر اساس آمار صبری ابراهیم السید، متونی که به دیگران منتسب شده‌اند، ۶٫۶ درصد از خطبه‌ها، یکی از نامه‌ها، و یازده درصد از حکمت‌های نهج البلاغه را شامل می‌شوند. در مقابل، عبدالزهره حسینی خطیب میزان اشتراکات نهج البلاغه با دیگر متون را بسیار اندک برآورد می‌کند و این‌گونه سخنان را چنین توضیح می‌دهد:

خطبه‌های امام علی علیه السلام در میان مردم رواج داشته و افراد آن‌ها را در سخنان خود به کار می‌بردند، گاه به نام خود ثبت می‌کردند یا به دلایل مختلفی مانند تقیه یا غفلت، از ذکر انتساب آن‌ها به امیرالمؤمنین علیه السلام خودداری می‌ورزیدند.^۳

با این حال، باید توجه داشت که بیشتر سخنان مشترک در نهج البلاغه، احادیث نبوی، سخنان منسوب به اهل بیت علیهم السلام، یا صحابه خوشنام هستند و روشن است که این حکم کلی در چنین مواردی صادق نیست.

۱. نهج البلاغه: نسخه جدیدة...، ص ۸۱.

۲. درباره المحاسن، مثلاً رک: نهج البلاغه: نسخه جدیدة...، ص ۱۰۳ خطبه ۵ که برقی تنها منبع اوست و درباره تاریخ یعقوبی، ص ۲۱۱، نامه ۱۵.

۳. مصادر نهج البلاغه و أسانیده، ج ۱، ص ۱۸۱.

۴ - ۱. خطبه‌ها

از میان ۲۴۱ خطبه نهج البلاغه، صبری ابراهیم، هجده خطبه را منتسب به دیگران دانسته است (۶. ۶ درصد).^۱

۴ - ۱ - ۱. خطبه (به جز فقره اول)

صبری ابراهیم^۲ فقط بخش اول این خطبه را از امام علی (ع) و بقیه خطبه را از امام رضا (ع) می‌داند. او بخش اول (از «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مَدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ» تا «وَلَا وَفَتْ مَعْدُودٌ» را از ابن عبدربه اندلسی (م ۳۲۸ ق) نقل کرده، که آن را از سخنان امام علی بر منبر کوفه و راوی آن را نافع بن کلیب دانسته است.^۳

۴ - ۱ - ۱ - ۱. بررسی

سخن صبری ابراهیم درباره بخش اول خطبه درست است، با این توضیح که جز ابن عبدربه، این بخش را چند منبع دیگر هم آورده‌اند: ابوجعفر اسکافی (م ۲۲۰ ق)،^۴ ابراهیم بن محمد ثقفی (م ۲۸۳ ق)،^۵ کلینی (م ۳۲۹ ق)،^۶ و صدوق.^۷ اما دیدگاه وی درباره بخش‌های بعدی خطبه دقت چندانی ندارد؛ زیرا گرچه در برخی روایات بخش‌هایی از این خطبه به امام رضا (ع) و امام کاظم (ع) منسوب شده است،^۸ ولی اولاً این روایات همه خطبه را در بر نمی‌گیرد و ثانیاً جملاتی از ادامه خطبه به خود امام علی (ع) نیز نسبت داده شده است:

۱. نهج البلاغه: نسخة جديدة...، ص ۸۷.

۲. همان، ص ۶۸.

۳. العقد الفريد، ج ۴، ص ۱۶۴.

۴. المعيار و الموازنة، ص ۲۵۵، در روایتی بدون سند موسوم به خطبة الزهراء.

۵. الغارات، ج ۱، ص ۱۷۲، با سندی مرسل به نقل از ابراهیم بن اسماعیل بيشکری.

۶. الکافي، ج ۱، ص ۱۳۴، در باب «جوامع التوحيد» با سندی مرفوع از محمد بن أبي عبدالله و محمد بن يحيى از امام صادق (ع) از امير المؤمنين (ع).

۷. التوحيد، ص ۴۲، با روایتی که هم در لفظ و هم سبب صدور مانند روایت کلینی است، اما صدوق سند آن را کامل آورده است.

۸. نزدیک‌ترین متن را کلینی (الکافي، ج ۱، ص ۱۴۰ - ۱۴۱) با سندی از فتح بن عبدالله مولى بنی هاشم، از امام کاظم (ع) روایت کرده که امام آن را در پاسخ به سؤال فتح درباره توحيد برایش نوشته است: ... فتح بن عبدالله مولى بنی هاشم قال: كتبت إلى أبي إبراهيم (ع) أسأله عن شيء من التوحيد، فكتب إلى بخطه: «الحمد لله الملهم عباده حمده» تا «وفوق ما يصفه الواصفون». همچنین، ابن بابويه (التوحيد، ص ۵۶ - ۵۷) روایتی مشابه، ولی بلندتر از نقل کلینی را از فتح بن يزيد جرجانی آورده است که در این روایت، فتح از ابوالحسن الرضا (ع) سؤال می‌کند و امام رضا (ع) به خط خود این سخنان را می‌نویسد؛ ابن بابويه در روایت دیگری (عيون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۵ - ۱۳۸) متن بلندتری را خطبه‌ای از امام رضا (ع) در حضور مأمون عباسی می‌داند.

بخش دوم خطبه (از «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ» تا «وَلَا يَسْتَوْحِشُ لِفَقْدِهِ» را ابن شعبه حرانی در خطبه‌ای که آن را درباره «اخلاص التوحید» نامیده، با برخی تفاوت‌های لفظی (و معنایی) از امام علی علیه السلام روایت کرده است:

إن أول عبادة الله معرفته وأصل معرفته توحیده ونظام توحیده نفی الصفات عنه، لشهادة العقول أن كل صفة وموصوف مخلوق وشهادة كل مخلوق أن له خالفاً ليس بصفة ولا موصوف وشهادة كل صفة وموصوف بالافتراق وشهادة الافتراق بالحدث... ومن قال: فيم فقد ضَمَنَهُ... باطن لا بمدخله ظاهراً بمزايلة... فاعل لا باضطراب حركة... موجود لا بعد عدم.^۱

بخش سوم (از «أَنْشَأَ الْخَلْقَ إِنْشَاءً» تا «وَرَقِيمَ مَائِرٍ») را قاضی نعمان مغربی در خطبه پنجم کتاب التوحید آورده است:

انشاء الخلق انشاء وابتداً بلاروية أجالها ولا فكرة أحدثها ولا همّة اضطرب لها لافتعاله ما اراد افتعاله... غرز غرائزها وألزم لها أشباحها لم يزل عالماً بها قبل كونها محيطاً بتحديداتها وأسبابها... ابتداءً فتق الاجوية ورتق الاهوية وأنشا ماء متلاطماً وجعل تياره متراكماً وموجة مترادياً متقاذفاً فحمله على متون الرياح العاصفة فالهواء من فوقه فتيق والريح من تحته خريق والماء بين ذلك مضطرب دفيق... ثم انشأ الريح العقيم فأمرها فشَقَّتْ الماء الزاخر فمخضته مخض السقاء وقلّبتة تقلب الاناء وعصفت عصفها عليه فردّت أوّله على آخره وساكنه على زاخره وساجيه على طائره حتى صار زبدًا ركاماً.^۲

اما جملاتی مشابه با بخش چهارم را (که درباره اوصاف فرشتگان است: از «ثُمَّ فَتَقَّ مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ الْعُلَا فَمَلَأَهُنَّ أَطْوَاراً مِنْ مَلَائِكَتِهِ» تا «وَلَا يَشِيرُونَ إِلَيْهِ بِالنَّظَائِرِ»)، ابن عبدربه در ضمن «خطبة الزهراء» و نیز علی بن ابراهیم قمی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند:

وملائكة خلقتهم وأسكنتهم سمواتك وليست فيهم فترة ولا عندهم غفلة ولا بهم معصية، هم أعلم خلقك بك وأخوفهم لك وأقومهم بطاعتك،^۳ ليس يغشاهم نوم العيون ولا سهو العقول ولا فترة الأبدان.^۴

۱. تحف العقول، ص ۶۱ - ۶۷.

۲. التوحید، خطبه ۵، ص ۲۸۴ - ۲۸۵.

۳. جملاتی مشابه با این سطر در خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه هم آمده است.

۴. العقد الفريد، ج ۴، ص ۱۶۷ - ۱۶۸؛ التفسير، ج ۲، ص ۲۰۷.

حسینی خطیب درباره منابع خطبه اول، به مؤلفانی پس از سید رضی اشاره کرده است، یعنی محمد بن سلمه، مشهور به قاضی قضاعی (م ۴۵۴ق) در دستور معالم الحکم، علی بن محمد بن شاکر واسطی (م ۴۵۷ق) در عیون المواعظ و الحکم، زمخشری (م ۵۳۸ق) در ربیع الأبرار، فخر رازی (م ۶۰۶ق) در تفسیر مفاتیح الغیب، محمد بن طلحه شافعی (م ۶۵۲ق) در مطالب السؤل، که بخش هایی از مباحث مرتبط به آفرینش در این خطبه را با اختلافاتی نقل کرده اند.^۱ این استنادات درست به نظر نمی رسد؛ زیرا منابع مورد بحث پس از سید رضی تألیف شده و نشانه یا سندی ندارند که بتوان دریافت آن ها خطبه را از منبع دیگری جز نهج البلاغه نقل می کنند.^۲

۴- ۱- ۲. خطبه ۸

صبری ابراهیم این خطبه کوتاه را - که درباره زبیر است - از امام حسن علیه السلام می داند. او در این زمینه به کتاب الجمل مفید استناد می کند.^۳

۴- ۱- ۲. بررسی

سخن صبری ابراهیم در مورد این خطبه درست است، با این توضیح که این خطبه را علاوه بر مفید،^۴ ابن اعثم کوفی^۵ نیز آورده است و هر دو مؤلف گفته اند که این سخنان امام حسن علیه السلام در پاسخ به خطبه توهین آمیز عبدالله بن زبیر است که وقتی خبر دشنام ابن زبیر به امام علی علیه السلام رسید، به امام حسن علیه السلام فرمود که پاسخ او را بدهد، اما به هیچ کس دشنام ندهد. حسینی خطیب معتقد است که این جملات را نخست امیر المؤمنین علیه السلام بر زبان آورده و امام حسن علیه السلام آن ها را شنیده و در خطبه خود جای داده است. او می افزاید که شریف رضی آنچه را دیده، روایت کرده است و شاید بتوانیم مصدر آن را پیدا کنیم.^۶

۴- ۱- ۳. خطبه ۱۸

صبری ابراهیم درباره این خطبه می نویسد:

۱. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج ۱، ص ۲۹۵ - ۲۹۷.

۲. حسینی خطیب در برخی موارد وجود افزوده ای بر متن را نشانه داشتن روایتی متفاوت با نهج البلاغه می گیرد، در حالی که ممکن است یک منبع بخشی از متن نهج البلاغه را با بخش دیگری از همین کتاب یا کتاب دیگری سرهم کرده باشند و تصور شود که منبع آن ها نهج البلاغه نیست. یک نمونه از این موارد در خطبه ۲۲۵ خواهد آمد.

۳. نهج البلاغة: نسخة جديدة...، ص ۶۸.

۴. الجمل، ص ۱۷۴ - ۱۷۵، به نقل از الجمل واقدی.

۵. مناقب، ج ۲، ص ۴۶۶ - ۴۶۷.

۶. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج ۱، ص ۳۳۵.

این خطبه منسوب به عمر بن اذینه، از اصحاب امام صادق علیه السلام، است که آن را قاضی نعمان مغربی در کتاب دعائم الاسلام آورده است. او می‌افزاید که ابونعیم نیز روایتی از ابوبکر نقل کرده است که دو سطر آخر این خطبه را در بر دارد.^۱

۴ - ۱ - ۳ - ۱. بررسی

آنچه صبری ابراهیم درباره انتساب این جملات در کتاب دعائم الاسلام قاضی نعمان مغربی^۲ به عمر بن اذینه می‌گوید، درست است،^۳ اما درباره انتساب دو سطر اخیر خطبه به ابوبکر در حلیه الاولیاء باید گفت که روایت ابونعیم فقط در یک جمله سه کلمه‌ای (لا تفنی عجائبه) با خطبه نهج البلاغه شباهت دارد.^۴ نکته دیگری که از چشم صبری ابراهیم دور مانده است، انتساب جمله‌ای از بخش دوم خطبه توسط ابوحیان توحیدی به امام علی علیه السلام است:
ظاهر اُنیق و باطنه عمیق.^۵

۴ - ۱ - ۴. خطبه ۳۲

صبری ابراهیم این خطبه را در هر چهار منبع اصلی آن، یعنی جاحظ (م ۲۵۵ق)،^۶ ابن قتیبه (م ۲۷۶ق)،^۷ ابن عبدربه^۸ و باقلانی (م ۴۰۳ق)^۹ منسوب به معاویه می‌داند.^{۱۰}

۴ - ۱ - ۴ - ۱. بررسی

چنان‌که خود شریف رضی می‌گوید، برخی این خطبه را به معاویه نسبت داده‌اند، اما جاحظ پس از نقل خطبه می‌گوید:
در این خطبه شگفتی‌هایی وجود دارد، از جمله این که سببی که برای نسبت دادن آن به

۱. نهج البلاغه: نسخة جدیدة...، ص ۶۸.

۲. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۹۲ - ۹۵.

۳. حسینی خطیب (مصادر...)، ص ۳۶۳ - ۳۶۶ به روایت قاضی نعمان استناد می‌کند تا بیان نماید که این سخن امیرالمؤمنین در میان اصحاب ائمه مشهور بوده است.

۴. حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۳۵.

۵. البصائر و الذخائر، ج ۱، ص ۷.

۶. البیان و التبیان، ج ۲، ص ۳۹ - ۴۰.

۷. عیون الأخبار، ج ۲، ص ۲۵۹ - ۲۶۰.

۸. العقد الفرید، ج ۴، ص ۱۷۶ - ۱۷۷.

۹. اعجاز القرآن، ص ۱۴۸ - ۱۴۹.

۱۰. نهج البلاغه: نسخة جدیدة...، ص ۶۸.

معاویه گفته شده است، هیچ ارتباطی با متن خطبه ندارد. سببی که برای نسبت خطبه به معاویه بیان شده، این است که وقتی معاویه در بستر بیماری مرگ افتاد، به یکی از غلامانش گفت: چه کسی در دربار است؟ غلام گفت: گروهی از قریش که مؤذنه مرگ تو را به یکدیگر می دهند. معاویه گفت: وای بر تو! به خدا سوگند، پس از من هر کسی بیاید، به آن‌ها بدی خواهد کرد. سپس اجازه داد مردم وارد شوند و آنگاه این خطبه را ایراد کرد.

نکته دیگری که جاحظ می گوید این است که ما در احوال معاویه چیزی نمی یابیم که او سلوک زاهدانه در کلامش پیموده یا مذهب عابدانه در پیش گرفته باشد.^۱ با توجه به این نقد تیزبینانه جاحظ - که اولین منبع خطبه نیز هست - روشن نیست چرا مؤلفان بعدی، بدون هیچ توضیح یا انتقادی، خطبه را به معاویه نسبت داده اند و همین روش نادرست را صبری ابراهیم هم در دوران معاصر می پیماید. حسینی خطیب^۲ به این نکته توجه می دهد که فردی که خطبه را به معاویه نسبت داده، شعیب بن صفوان است که توسط رجالیان تضعیف شده و احادیش را قابل اعتماد ندانسته اند.^۳

۴ - ۱ - ۵. خطبه ۵۲

صبری ابراهیم بخش اول این خطبه را منتسب به دیگران می داند، بدون آن که توضیحی درباره آن بدهد.^۴

۴ - ۱ - ۵. ۱. بررسی

درباره بخش اول خطبه ۵۲، گویا منظور صبری ابراهیم جمله مشابهی از امام حسین (ع) در یکی از خطبه های آن حضرت در کربلا (یا در مسیر کربلا) باشد:

إن هذه الدنيا قد تغيرت وتنكرت وأدبر معروفها فلم يبق منها إلا صباية كصباية الاناء.^۵
همچنین، جمله دیگری شبیه به این را به یکی از صحابه پیامبر (ص) با نام عتبة بن غزوان

۱. البیان و التبیین، ج ۲، ص ۳۹ - ۴۰.

۲. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج ۱، ص ۴۱۸.

۳. رک: الجرح و التعديل، ج ۴، ص ۳۴۸؛ الكامل، ج ۴، ص ۵؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۷۶.

۴. نهج البلاغة: نسخة جديدة...، ص ۸۷.

۵. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۰۵؛ العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۲۹؛ شرح الأخبار، ج ۳، ص ۱۵۰؛ تحف العقول، ص ۲۴۵؛ تیسیر

المطالب، ص ۱۴۳؛ نزهة الناظر، ص ۸۷؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۴، ص ۲۱۷.

(م ۱۷ق) در ضمن خطبه ای در بصره نسبت داده‌اند.^۱ به هر حال، جمله اول خطبه در منابع به امام علی علیه السلام منتسب نیست.^۲

۴ - ۱ - ۶. خطبه ۵۷

صبری ابراهیم، بخش اول این خطبه را نیز، بدون هیچ توضیحی، منتسب به دیگران می‌داند.^۳

۴ - ۱ - ۶. ۱. بررسی

گویا منظور صبری ابراهیم، رسیدن سند بخش اول این خطبه از امیرالمؤمنین علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله باشد که در بیشتر منابع از طریق سفیان بن اللیل (یا لیلی / ابی لیلی) به امام حسن علیه السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رسد و به پیامبر صلی الله علیه و آله ختم می‌شود و این روایت برای محدثان و رجالیان متقدم شناخته شده بوده است.^۴ حسینی خلیب^۵ نیز به این نکته اشاره می‌کند که بخشی از این خطبه حدیث نبوی است.

۴ - ۱ - ۷. خطبه ۶۱

صبری ابراهیم به این نکته اشاره می‌کند که این خطبه را صدوق در علل الشرائع به امام حسن علیه السلام نسبت داده است.^۶

۴ - ۱ - ۷. ۱. بررسی

این خطبه دو بخش دارد: الف: «لَا تُقَاتِلُوا الْخَوَارِجَ بَعْدِي»، ب: «فَلَيْسَ مَنْ طَلَبَ الْحَقَّ فَأَخْطَاهُ كَمَنْ طَلَبَ الْبَاطِلَ فَأَذْرَكَهُ».

۱. المصنف (عبدالرزاق صنعانی)، ج ۱۱، ص ۴۲۱؛ الطبقات، ج ۷، ص ۶؛ المصنف (ابن ابی شیبہ)، ج ۸، ص ۱۹۹؛ المسند، ج ۴، ص ۱۷۴، ج ۵، ص ۶۱؛ البیان و التبيين، ج ۲، ص ۳۸؛ صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۱۵؛ تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۹۱؛ العقد الفريد، ج ۴، ص ۲۱۷؛ المستدرک، ج ۳، ص ۲۶۱؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۰، ص ۳۴.
۲. صاحب مصادر نهج البلاغه و أسانیده، ج ۲، ص ۲۲ - ۲۳ به این مطلب دقت نکرده است.

۳. نهج البلاغه: نسخه جدیدة...، ص ۸۷.

۴. رک: الضعفاء، ج ۲، ص ۱۷۵ - ۱۷۶؛ مقاتل الطائیین، ص ۴۳ - ۴۴ (لا تذهب الیالی والأیام حتی یجتمع امرهذه الأمة على رجل واسع السرم ضخم البلعوم يأكل ولا یشبع)؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۷۰ - ۱۷۱؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۲۷ - ۳۲۸؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۵۷ (به نقل از مدائنی)؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۹، ص ۱۵۱؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۷۱ - ۱۷۲؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۳۴۸ - ۳۴۹؛ ج ۱۳، ص ۵۸۸ - ۵۸۹ (به نقل از کتاب الفتن نعیم بن حماد). روایت محمد بن سلیمان کوفی (مناقب، ج ۲، ص ۱۲۸ و ۳۱۵) بر امام علی علیه السلام متوقف شده است و به پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌رسد.

۵. مصادر...، ج ۲، ص ۳۱.

۶. نهج البلاغه: نسخه جدیدة...، ص ۶۸.

سخن صبری ابراهیم درباره بخش ب درست است؛ صدوق جمله دوم را به نقل از امام حسن علیه السلام خطاب به معاویه درباره خوارج آورده است:

هنگامی که جویریة بن ذراع یا ابن وداع یا یکی دیگر از خوارج علیه معاویه در کوفه قیام کرد، معاویه به حسن علیه السلام گفت: به میدان برو و با آنان نبرد کن! امام حسن علیه السلام فرمود: خداوند این کار را برای من نمی پسندد. معاویه گفت: چرا؟ آیا آنان دشمن تو و من نیستند؟ فرمود: آری، ای معاویه، اما «لیس من طلب الحق فأخطأه کمن طلب الباطل فوجده».^۱

حسینی خطیب معتقد است که امام حسن این سخن را از پدرش علیه السلام گرفته است.^۲ اما درباره بخش اول خطبه باید گفت که مضمون این سخن را دو منبع شیعه به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام آورده اند؛ صدوق^۳ و طوسی^۴ چنین روایت کرده اند که وقتی سخن از حروریه نزد علی علیه السلام به میان آمد، فرمود:

ان خرجوا مع جماعة أو علی امام عادل فقاتلوهم، وان خرجوا علی امام جائر فلا تقاتلوهم فان لهم فی ذلک مقالا.

طوسی، همچنین، روایت دیگری نقل کرده است که برطبق آن، امام علی علیه السلام پس از جنگ نهروان درباره خوارج فرمود:

لا یقاتلهم بعدی إلا من هم أولى بالحق منه.^۵

۴ - ۱ - ۸. خطبه ۶۴

صبری ابراهیم به العقد الفرید استناد می کند که این خطبه را به مأمون عباسی نسبت داده است.^۶

۴ - ۱ - ۸. بررسی

این سخن درستی است و برخی منابع پیش از رضی، این خطبه را از خطبه های جمعه

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۱۸.

۲. مصادر...، ج ۲، ص ۴۱.

۳. علل الشرائع، ج ۲، ص ۶۰۳.

۴. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۴۵.

۵. همان، ج ۶، ص ۱۴۴.

۶. نهج البلاغة: نسخة جدیدة...، ص ۶۹.

مأمون دانسته‌اند.^۱

حسینی خطیب درباره منابع این خطبه به دو منبع متأخر از نهج البلاغه، یعنی غرر الحکم آمدی و تذکرة الخواص سبط ابن جوزی ارجاع می‌دهد که خطبه را بدون سند از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت کرده‌اند.

حسینی خطیب معتقد است که سبط ابن جوزی در آغاز کتابش گفته است که از سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) چیزی نقل نمی‌کند، مگر این که به آن سند داشته باشد. بنابراین، برخی اسانید را برای اختصار حذف کرده است.^۲ این سخن درست به نظر نمی‌رسد و در این جا نشانه‌ای وجود ندارد که بتوان اثبات کرد این دو کتاب خطبه را از منبعی جز نهج البلاغه روایت می‌کنند.

۴ - ۱ - ۹. خطبه ۹۰

صبری ابراهیم درباره این خطبه می‌گوید که بخش آخر خطبه، یعنی از «زنوا أنفسکم» تا آخر خطبه در حلیة الاولیاء به عمر بن خطاب منسوب شده است.^۳

۴ - ۱ - ۹. بررسی

نکته اول در مورد این سخن صبری ابراهیم این که در روایت ابونعیم اصفهانی، تنها دو جمله کوتاه از کلام منسوب به عمر بن خطاب با خطبه نهج البلاغه شباهت دارد، نه تا پایان خطبه، که این دو جمله چنین است:

زنوا أنفسکم قبل أن توزنوا وحاسبوها قبل أن تحاسبوا.^۴

نکته دوم این که گویا این خطبه در منابع پیش از نهج البلاغه نیامده است، جز چند جمله که آن را قاضی نعمان مغربی در خطبه هشتم کتاب التوحید به امام علی (علیه السلام) نسبت داده است:

مبدئ الخلق و وارثه و کالیه و رازقه... و جعل الشمس و القمر آیتین تختلفان تبلیان کلّ جدید و تقرّبان کلّ بعید... أحصى آثارهم و قدّر أعمارهم و علّم الفاظهم و عدّد أنفاسهم و خاتمة أعینهم و ما تخفی صدورهم و مستقرهم و مستودعهم.^۵

۱. عیون الأخبار، ج ۲، ص ۲۷۶ - ۲۷۷؛ العقد الفرید، ج ۴، ص ۱۹۲؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۳۳، ص ۳۰۰ (به نقل از یحیی بن أکثم).

۲. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج ۲، ص ۴۷ - ۴۸.

۳. نهج البلاغة: نسخة جدیدة...، ص ۶۹.

۴. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۵۲.

۵. التوحید، ص ۳۳۶ - ۳۳۷.

حسینی خطیب خطبه را از منابع متأخر (عیون الحکم و المواعظ واسطی و غرر الحکم آمدی) نقل می کند،^۱ که آن ها را نمی توان منبع نهج البلاغه تلقی کرد.

۴ - ۱ - ۱۰. خطبه ۱۴۷

صبری ابراهیم می گوید که این خطبه را ابن شعبه^۲ به امام حسن (علیه السلام) نسبت داده است.^۳

۴ - ۱ - ۱۰. بررسی

چنان که حسینی خطیب می گوید،^۴ این خطبه را کلینی در روایت بلندی از امام علی (علیه السلام) روایت کرده است.^۵

۴ - ۱ - ۱۱. خطبه ۱۵۲

صبری ابراهیم برای منبع این خطبه به کتاب التوحید صدوق استناد می کند، که آن را به امام رضا (علیه السلام) نسبت داده است.^۶

۴ - ۱ - ۱۱. بررسی

سخن صبری ابراهیم درباره نسبت این خطبه به امام رضا (علیه السلام) درست است،^۷ اما آنچه او به آن توجه نکرده، روایت دیگری است که آن را کلینی از امام صادق (علیه السلام) از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آورده است.^۸

۴ - ۱ - ۱۲. خطبه ۱۶۳

صبری ابراهیم برای منبع این خطبه به ابونعیم در حلیه الاولیاء استناد می کند، اما می گوید خطبه به نعمان بن سعد منسوب است.^۹

۱. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج ۲، ص ۱۴۱.

۲. تحف العقول، ص ۲۲۷.

۳. نهج البلاغة: نسخة جديدة...، ص ۶۹.

۴. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج ۲، ص ۳۳۱.

۵. الکافی، ج ۸، ص ۳۸۶ - ۳۹۱.

۶. نهج البلاغة: نسخة جديدة...، ص ۶۹.

۷. التوحید، ص ۵۶ - ۵۷.

۸. الکافی، ج ۱، ص ۱۳۹ - ۱۴۰. گویا صاحب مصادر (ج ۲، ص ۳۵۰) نیز روایت کلینی را ندیده است و بنابراین،

برای منبع خطبه به غرر الحکم آمدی (م ۵۵۵ق) و الطراز لأسرار البلاغة نوشته یحیی بن حمزه علوی (م ۷۰۵ق) ارجاع می دهد.

۹. نهج البلاغة: نسخة جديدة...، ص ۶۹.

۴ - ۱ - ۱۲ - ۱. بررسی

این سخن درست نیست؛ زیرا ابونعیم این خطبه را با استناد به ابن اسحاق از نعمان بن سعد به عنوان راوی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است، نه این که نعمان خود صاحب خطبه باشد. شاید منشأ این خطای صبری ابراهیم، سخن ابونعیم در پایان روایت است که می نویسد:

این حدیثی غریب از احادیث نعمان است و همچنین این که ابن اسحاق روایت را به صورت مرسل از نعمان نقل کرده است.

اما این سخن ابونعیم ناظر به سند روایت است، نه این که خطبه را به نعمان نسبت داده باشد.^۱

۴ - ۱ - ۱۳. خطبه ۱۷۹

صبری ابراهیم درباره این خطبه می گوید که مقدسی آن را به امام باقریا امام صادق علیه السلام نسبت داده است.^۲

۴ - ۱ - ۱۳ - ۱. بررسی

سخن صبری ابراهیم درست است و این خطبه را مقدسی از امام باقریا امام صادق علیه السلام روایت می کند،^۳ اما او به این نکته اشاره نکرده است که خطبه با روایات مشابهی در چندین منبع حدیثی و عرفانی - که بیشتر آن ها از مؤلفان اهل سنت اند - به امام علی علیه السلام نیز منسوب است.^۴ حسینی خطیب از میان این آثار، به منابع حدیثی شیعه (الکافی، التوحید و الإرشاد) و سنی (تذکرة الخواص) اشاره کرده است.^۵

۴ - ۱ - ۱۴. خطبه ۲۲۵

صبری ابراهیم می نویسد که این دعای مکارم الاخلاق در صحیفه سجاده و منسوب به

۱. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۷۲ - ۷۳. حسینی خطیب (مصادر، ج ۱، ص ۳۸۴) درباره این موضوع بحثی نکرده و خطبه را علاوه بر حلیة الاولیاء ابونعیم، به منابع متأخر از رضی نیز ارجاع داده است.

۲. نهج البلاغة: نسخة جدیدة...، ص ۶۹.

۳. البدء و التاریخ، ج ۱، ص ۷۴. منابع دیگری که این سخن را به امام باقریا امام صادق علیه السلام نسبت داده اند، عبارت اند از: الکافی، ج ۱، ص ۹۷ (به روایت از امام صادق)؛ الأمالی (صدوق)، ص ۳۵۲؛ التوحید، ص ۱۰۸ (از امام باقر)؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۵۴، ص ۲۸۲ (از امام باقر)؛ علم القلوب، ص ۸۴ - ۸۵ (از امام صادق)؛ تهذیب الأسرار فی أصول التصوف، ص ۲۹ (از امام صادق)؛ زهر الآداب و ثمر الآلباب، ج ۱، ص ۱۱۷ (از امام باقر)؛ مکاشفة القلوب، ص ۱۲۵ (از امام باقر).

۴. رسائل الجنید، ص ۹۶؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۳۸ - ۱۳۹؛ الأمالی (صدوق)، ص ۴۲۳ - ۴۲۴؛ التوحید، ص ۳۰۵ - ۳۰۶؛ تهذیب الأسرار، ص ۲۹؛ الإرشاد (ج ۱، ص ۲۲۴ - ۲۲۵)؛ شرح التعریف (ج ۱، ص ۱۹۹)؛ روضة الطالبین و عمدة السالکین، ص ۱۱۲؛ تذکرة الخواص، ص ۱۴۴ (به نقل از عطیه عوفی از ابن عباس).

۵. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج ۲، ص ۴۳۷.

امام علی بن حسین علیه السلام است.^۱

۴ - ۱ - ۱۴ - ۱. بررسی

گفته صبری ابراهیم درست بوده و این دعا در صحیفه سجادیه^۲ آمده است. اما قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ق) این دعا را از امیرالمؤمنین علیه السلام دانسته است.^۳ روایت راوندی ذیلی هم دارد که در این خطبه نیست:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ تَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَائِمِي، وَأَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْجِعُهَا مَنْ وَدَائِعِ نِعَمِكَ عِنْدِي.

حسینی خطیب معتقد است که این ذیل نشان می دهد که راوندی دعا را از منبعی جز نهج البلاغه گرفته است.^۴ این دیدگاه با این اشکال روبه روست که امکان دارد راوندی ذیل خطبه را از دعای دیگری منتسب به امیرالمؤمنین علیه السلام گرفته و با خطبه ۲۲۵ ترکیب کرده باشد؛ شاهد این که این ذیل در خطبه ۲۱۵ (که دعای دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام است) آمده است.

۴ - ۱ - ۱۵. خطبه ۲۲۸

صبری ابراهیم^۵ درباره این خطبه تنها به روایت طبری اشاره می کند که بر طبق این روایت، بخشی از این خطبه سخنی است به روایت مغیره بن شعبه از دختر ابو حثمه^۶ در هنگام مرگ عمر بن خطاب. مغیره در ادامه این روایت، جمله مشابهی را به امام علی علیه السلام نسبت می دهد که تأیید سخن دختر ابو حثمه است.

۴ - ۱ - ۱۵ - ۱. بررسی

این ماجرا را طبری^۷ و ابن شبه نمیری (م ۲۶۲ق)^۸ آورده اند و ابن قتیبه^۹ نیز به آن اشاره کرده است. روایت ابن شبه به عبدالله بن مالک بن عیینه اُزدی می رسد و به خطبه نهج البلاغه

۱. نهج البلاغه: نسخه جدید...، ص ۶۹.

۲. صحیفه سجادیه، ص ۱۱۵.

۳. الدعوات، ص ۱۳۳، در نقلی بدون سند.

۴. مصادر نهج البلاغه و أسانیده، ج ۳، ص ۱۶۰.

۵. نهج البلاغه: نسخه جدید...، ص ۶۹ - ۷۰.

۶. خلیفه بن خیاط (ص ۱۲۰) این زن را مادر عبدالله بن عامر بن ربیع و ابو حثمه را پسر حذیفه بن علی بن عامر بن عبدالله معرفی کرده است.

۷. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۲۸۵.

۸. تاریخ المدینة، ج ۳، ص ۹۴۱ - ۹۴۲.

۹. غریب الحدیث، ج ۱ ص ۲۹۱.

نزدیک تراست:

لما انصرفنا مع علی - رضی الله عنه - ... ثم قال ﷺ: لله بلاء نادبة عمر لقد صدقت ابنة أبي خثمة حين قالت: وا عمره، أقام الأود و أبدأ العهد، وا عمره ذهب نقى الثوب قليل العيب... والله لقد أصاب عمر خيرها وخلف شرها... وتركهم فى طرق متشعبة لا يدرى الضال ولا يستيقن المهتدى.

ابن عساکر^۱ دو روایت با اسنادی متفاوت از طبری و ابن شبه آورده است، اما به لحاظ متن، روایات او به دو منبع اصلی نزدیک است.^۲

به هر حال، این خطبه در منابع پیش از نهج البلاغه به امیرالمؤمنین نسبت داده شده است و به لحاظ منبع مشکلی ندارد، حتی اگر تأیید قول دیگری باشد. حسینی خطیب نیز به این نکته اشاره می‌کند که در هر صورت، این خطبه را طبری پیش از رضی نقل کرده است.^۳

۴ - ۱ - ۱۶. خطبة ۲۳۹

صبری ابراهیم بدون توضیح، این خطبه را منسوب به فرد دیگری جز امیرالمؤمنین ﷺ می‌داند.^۴

۴ - ۱ - ۱۶. ۱. بررسی

چنان‌که حسینی خطیب می‌نویسد،^۵ این کلام بخشی از خطبة ۱۴۷ است و همانند آن خطبه، کلینی آن را ذیل روایت بلندی که گفته شد، از امام علی ﷺ نقل کرده است.^۶

۱. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۴، ص ۴۵۷ - ۴۵۸.

۲. ابن ابی الحدید در شرح این خطبه می‌نویسد: مقصود از واژه «فلان» در این خطبه عمر بن خطاب است و می‌افزاید که او نسخه‌ای از نهج البلاغه به خط سید رضی در اختیار دارد که زیر واژه «فلان» نوشته شده است: «عمر». ابن ابی الحدید، سپس به نقل از یکی از زیدیه می‌گوید: چنین مدحی برای عمر از سوی امام علی امکان دارد، گرچه امامیه می‌گویند این تقیه است و جارودیه زیدیه معتقدند که این کلامی است درباره عثمان و معنای ذم دارد. اما ابن ابی الحدید معتقد است که از این جملات معنای مدح و ثنا برمی‌آید، نه ذم. او دیدگاه راوندی را نیز نقل می‌کند که می‌گوید: این سخن امیرالمؤمنین علی ﷺ در مدح یکی از یاران اوست، اما ابن ابی الحدید این دیدگاه را بعید می‌داند؛ زیرا الفاظ خطبه نشان می‌دهد که ممدوح یک والی و سرپرست مردم است (شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۳ - ۴).

۳. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج ۳، ص ۱۷۱.

۴. صبری ابراهیم (نهج البلاغة: نسخة جديدة...، ص ۸۷) خطبة ۱۱۱ و ۲۱۶ را نیز، بدون هیچ توضیحی، منتسب به دیگران می‌داند، حال آن‌که خطبة ۱۱۱ را ابو جعفر اسکافی (المعیار و الموازنة، ص ۲۶۴ - ۲۶۸ و ابن شعبه حرانی (تحف العقول، ص ۱۸۰ - ۱۸۳) و خطبة ۲۱۶ را کلینی (الکافی، ج ۸، ص ۳۵۲ - ۳۶۰) از امام علی ﷺ روایت کرده‌اند.

۵. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج ۳، ص ۱۸۸.

۶. الکافی، ج ۸، ص ۳۹۱.

۵. نامه‌ها

از میان ۷۹ نامه نهج البلاغه، صبری ابراهیم فقط نامه ۷۱ را منتسب به دیگران دانسته است^۱ که گویا برطبق جمله ناقصی که در صفحه ۷۰ کتاب آمده است،^۲ مقصود او جمله ذیل نامه («إِنَّهُ لَنَظَارُ فِي عِظْفَيْهِ، مُخْتَالٌ فِي بُرْدِيهِ، تَقَالُ فِي شِرَاكِيهِ») باشد که جاحظ آن را منسوب به صعصعة بن صوحان درباره منذر بن جارود می‌داند، نه امام علی علیه السلام.

۵ - ۱. بررسی

جاحظ گزارش کرده است که هنگامی که علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) سخن خود را درباره منذر بن جارود به صعصعة بن صوحان بیان فرمود، صعصعه در پاسخ گفت:

لَئِنْ قُلْتَ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّهُ لَنَظَارٌ فِي عِظْفَيْهِ، تَقَالُ فِي شِرَاكِيهِ، تُعْجِبُهُ جَمْرَةُ بُرْدِيَّةٍ.^۳

صبری ابراهیم به این سخن جاحظ اشاره کرده، اما به این نکته پرداخته است که دو منبع تاریخی این نامه، یعنی بلاذری^۴ و یعقوبی^۵ ذیل نامه امیرالمؤمنین به منذر، این جمله را نیز از امام علی علیه السلام دانسته‌اند.

حسینی خطیب اشاره‌ای به روایت جاحظ از خطبه نکرده و تنها به روایات بلاذری و یعقوبی پرداخته است.^۶

۶. حکمت‌ها

از میان ۴۸۰ حکمت نهج البلاغه، صبری ابراهیم، ۵۱ حکمت (یازده درصد) را منسوب به افرادی جز امام علی علیه السلام دانسته است، که از این میان بیشترین موارد حدیث نبوی است و سپس سخنانی منسوب به برخی از اهل بیت علیهم السلام، مانند حضرت فاطمة الزهراء (س)، امام حسن علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام، و نیز برخی صحابه مانند حذیفه بن یمان، ابوالدرداء و همچنین، عیسی مسیح علیه السلام.^۷ با این حال، چندین مورد از این حکمت‌ها در منابع پیش از

۱. نهج البلاغة: نسخة جديدة...، ص ۸۷.

۲. ظاهراً بخشی از متن در این صفحه افتاده است.

۳. البیان و التبيين، ج ۳، ص ۷۶؛ الحيوان، ج ۵، ص ۳۱۱.

۴. انساب الأشراف، ص ۱۶۳ - ۱۶۴.

۵. تاریخ، ج ۲، ص ۲۰۳ - ۲۰۴.

۶. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج ۳، ص ۴۷۱ - ۴۷۳.

۷. نهج البلاغة: نسخة جديدة...، ص ۷۰ - ۷۷، ۸۷.

نهج البلاغه هم به امام علی (ع) منتسب شده‌اند و هم به دیگران، اما صبری ابراهیم فقط به دلیل انتساب به دیگران، آن‌ها را از فهرست سخنان امام علی (ع) کنار گذاشته است (مانند حکمت‌های ۹۸، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۴۳، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۷۲، ۲۶۸، ۳۶۹، ۳۸۷، ۴۶۰).

همچنین، او در توضیح حکمت‌های منتسب به دیگران نیز چنان بی‌نظم و ناهماهنگ است که برخی موارد که در جدول ص ۸۷ منسوب به دیگران دانسته، بدون توضیح رها کرده است. برای نمونه، حکمت اول را تنها به دیگران منتسب دانسته، اما هیچ اشاره‌ای نکرده است که منابع پیش از نهج البلاغه گوینده این سخن را حدیفة (بن‌أسید)^۱ دانسته‌اند.^۲

حسینی خطیب این حکمت را از سخنان مشهور امیرالمؤمنین (ع) می‌داند، اما از منابع پیش از نهج البلاغه تنها به الإمتاع و المؤانسة اشاره می‌کند.^۳ او به کتاب العدد القویة^۴ (علی بن یوسف حلّی) نیز ارجاع می‌دهد که مؤلف آن از متأخران (م ۷۰۵ ق) است، اما این روایت که عنوان آن «من وصیة امیرالمؤمنین علی بن أبی طالب (ع) لولده الحسن (ع)» است، با حکمت نهج البلاغه تفاوت دارد و جمله «ولا وبر فی سلب» را نیز به حکمت افزوده است که در نهج البلاغه و دیگر منابع نیست.

نتایج

۱. بررسی انتساب هجده خطبه به امام علی (ع):

از میان هجده خطبه‌ای که صبری ابراهیم آن‌ها را منتسب به افرادی غیر از امام علی (ع) می‌داند، تشخیص وی در هشت مورد درست و در ده مورد نادرست به نظر می‌رسد.

۱. وی از صحابه پیامبر (ص) بوده که در صلح حدیبیه به مسلمانان پیوسته و در کوفه اقامت گزیده است (الجرح و التعديل، ج ۳، ص ۲۵۶).

۲. رک: البیان و التبیین، ج ۲، ص ۶۶؛ المستدرک، ج ۴، ص ۵۲۹ - ۵۳۰.

۳. حسینی خطیب (مصادر، ج ۴، ص ۷) به چاپ مصر کتاب الإمتاع و المؤانسة (ج ۲، ص ۳۱) ارجاع می‌دهد، اما هم در این چاپ (قاهره، ۱۹۴۴ م) و هم دو چاپ دیگر (المکتبة العصرية، ۲۰۱۱ م، ج ۲، ص ۱۷۹ و هندای، ۲۰۱۷ م، ج ۲، ص ۲۴۷) پیش از این جمله نوشته شده: «قال حدیفة». شاید منشأ این اشکال جمله بالای حکمت باشد که ابوحیان نوشته است: «هذا کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه». اما دو منبع دیگر این حکمت، یعنی جاحظ و حاکم نیشابوری فقط نام حدیفة را آورده‌اند (جاحظ نوشته است: «ابواسحاق: قال حدیفة: ...» و حاکم نیشابوری نام کامل گوینده سخن را حدیفة بن أسید، از صحابه در کوفه، دانسته و جمله را در بافتی آخرالزمانی روایت کرده است: «ثم قال: انا لغير الدجال أخوف علی و علیکم، قال: فقلنا: ما هو یا أبا سريجة؟ قال: فتن كأنها قطع الليل المظلم...» قال: فکن کابن اللبون لا ظهر فیرکب ولا ضرع فیحلب».

۴. العدد القویة، ص ۳۵۷ - ۳۵۹.

موارد درست عبارت‌اند از خطبه‌های: ۱ (جز چند جمله منقول در منابع شیعه)، ۸، ۱۸ (جزیک جمله)، ۵۲، ۵۷، ۶۱، ۶۴ و ۲۲۵.

مواردی که او در انتسابشان به خطا رفته، شامل خطبه‌های ۳۲، ۹۰، ۱۱۱، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۶۳، ۱۷۹، ۲۱۶، ۲۲۸ و ۲۳۹ است.

دلیل حذف برخی از این خطبه‌ها در نسخه نهج البلاغه صبری ابراهیم را می‌توان در شرط او برای وثاقت سخنان امام علی علیه السلام جست‌وجو کرد؛ به این معنا که سخن باید هم در منبع شیعه و هم در منبع سنی آمده باشد. براین اساس، می‌توان حذف شش خطبه (۹۰، ۱۱۱، ۱۴۷، ۱۵۲، ۲۱۶ و ۲۳۹) را براساس این شرط توجیه کرد. اما برای حذف خطبه‌های ۳۲، ۱۶۳، ۱۷۹ و ۲۲۸ چنین توجیهی وجود ندارد.

در مورد نامه ۷۱ نیز، نسبت دادن آن به صعصعة بن صوحان توسط صبری ابراهیم قابل تأمل است. حتی اگر جمله‌ای خاص از صعصعة باشد، آن جمله ذیل نامه است، نه بخشی از متن اصلی. با این حال، او به استناد همین موضوع، کل نامه را حذف کرده است.

۲. ارزیابی روش‌شناسی صبری ابراهیم:

برخی از تشخیص‌های نادرست او ممکن است ناشی از استقرای ناقص یا دشواری در دسترسی به منابع متعدد باشد. اما در برخی موارد نمی‌توان این نارسایی را تنها به کمبود منابع نسبت داد.^۱

برای مثال، او شگفتی خود را از شیعیان ابراز می‌کند که چرا تنها در موارد تأیید جاحظ به او استناد می‌کنند و در مخالفت‌هایش، او را کنار می‌گذارند؛ اما خود وی نیز در این دام گرفتار شده است.

در مورد خطبه ۳۲، جاحظ با استدلال انتساب آن را به معاویه رد کرده است؛ ولی صبری این نظر را نادیده می‌گیرد. اما در مورد نامه ۷۱، تنها براساس روایت غیرمستدل جاحظ، آن را از شمار سخنان امام علی علیه السلام حذف می‌کند و روایات بلاذری و یعقوبی را نادیده می‌گیرد. یکی دیگر از کاستی‌های کتاب او، بی‌نظمی ساختاری و فقدان توضیح کافی درباره برخی مطالب است که در جای خود به آن‌ها اشاره شده است.

۳. بررسی کتاب مصادر نهج البلاغه و آسانیده:

۱. او به دیدگاه عبدالله نعمة در کتاب مصادر نهج البلاغه درباره خطبه‌های ۳۲ و ۱۱۱ اشاره می‌کند (نهج البلاغة: نسخة جدیدة...، ص ۷۷).

در این اثر، منظور از «مصدر» یا منبع نهج البلاغه، هر کتابی است که احتمال داده می‌شود سید رضی از آن بهره برده باشد. معیار اصلی برای پذیرش این احتمال، وجود روایت منتسب به امام علی (ع) در زمانی پیش از نگارش نهج البلاغه است.

براین اساس، کتابی می‌تواند منبع نهج البلاغه تلقی شود که یا پیش از نگارش آن تألیف شده باشد، یا اگر متأخر است، نقل خود را از طریق غیر از نهج البلاغه اخذ کرده باشد.

مؤلف مصادر در بسیاری از موارد به این اصل پایبند است؛ ولی در برخی موارد که منبعی پیش از نهج البلاغه نمی‌یابد، به آثار متأخر استناد می‌کند، بی‌آن که سند یا قرینه‌ای ارائه دهد مبنی بر این که آن نقل از نهج البلاغه گرفته نشده است.

۴. تحلیل فرضیات حسینی خطیب:

در پاسخ به برخی اشکالات، حسینی خطیب به فرض‌هایی متوسل می‌شود که از نظر تاریخی قابل اثبات نیستند. از جمله:

سید رضی منبعی در اختیار داشته که اکنون در دست نیست؛

امام حسن (ع) جملاتی از پدرش شنیده و در خطبه‌ای بیان کرده است؛

آنچه سید رضی دیده، فقط روایت کرده و شاید بتوانیم منبع آن را بیابیم.

این فرض‌ها، فقط بیانگر احتمال هستند و در عرصه تحلیل تاریخی کفایت نمی‌کنند و برای منتقدان اقناع‌آور نیستند.

۵. ضرورت بررسی موردی در سخنان مشترک:

درباره سخنان مشترک میان نهج البلاغه و سایر منابع، نمی‌توان حکم کلی صادر کرد؛ نه می‌توان همه را بدون بررسی به امام علی (ع) نسبت داد و نه مانند صبری ابراهیم، فقط به دلیل نسبت داشتن به دیگران، از شمار سخنان ایشان حذف کرد.

در بررسی هر سخن باید مراحل زیر رعایت شود:

۱. آیا این سخن در منابع پیش از سید رضی به فردی خاص منسوب شده است؟

۲. نسبت آن به امام علی (ع) از نظر تاریخی چقدر قابل دفاع است؟

۳. کدام یک از دو انتساب (به امام علی یا به غیر) از نظر شواهد قوی‌تر است؟

برای نمونه، درباره حکمت اول نهج البلاغه، روایت منابع قدیم آن را به صحابی‌ای به نام حذیفه بن أسید نسبت داده‌اند. این روایت بافتی آخرالزمانی دارد و از منظر تاریخی نیز با فضای زمان امام علی (ع) که دوران مقابله با مخالفان بوده، سازگار نیست؛ چراکه ایشان مردم

را به جبهه گیری در برابر باطل دعوت می کرد، نه به بی طرفی.
با این حال، اگر نقل علی بن یوسف حلی درست باشد که این جمله را به عنوان پندی
برای آینده بیان کرده، باید دلایل او را در برابر دلایل انتساب به حذیفه سنجید و براساس
قوت شواهد، انتساب درست را تعیین کرد.

کتابنامه

- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن نعمان مفید، تحقیق: مؤسسة
آل البيت (علیهم السلام)، بیروت، دار المفید، چاپ اول، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.
الإعجاز القرآن، أبو بكر محمد بن الطیب باقلانی، تحقیق: السيد أحمد الصقر، قاهره، دار
المعارف، بی تا.
الإمتاع و المؤانسة، أبو حیان توحیدی، تحقیق: أحمد أمين/أحمد الزین، قاهره، مطبعة لجنة
التألیف والترجمة والنشر، چاپ اول، ۱۹۴۴م.
الإمتاع والمؤانسة، أبو حیان توحیدی، تحقیق: أحمد أمين/أحمد الزین، مؤسسة هندوی،
۲۰۱۷م.
الإمتاع والمؤانسة، أبو حیان توحیدی، تحقیق: هیثم خليفة الطعیمی، بیروت، المكتبة
العصرية، ۱۴۳۲ق/۲۰۱۱م.
الإحتجاج علی أهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، تحقیق: محمد باقر خراسان، مشهد، نشر
مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
البدء والتاریخ، مطهر بن طاهر مقدسی، بورسعيد، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
البصائر والذخائر، أبو حیان توحیدی، تحقیق: أحمد أمين/السید أحمد صقر، قاهره، مطبعة
لجنة التألیف والترجمة والنشر، ۱۳۷۳ق/۱۹۵۳م.
البيان والتبيين، جاحظ، بیروت، دار و مكتبة هلال، ۱۴۲۳ق.
تاریخ الأمم و الملوك، محمد بن جریر طبری، تحقیق: نخبة من العلماء، بیروت، مؤسسة
الأعلمی، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
تاریخ خليفة بن خياط، خليفة بن خياط، تحقیق: سهیل زیار، بیروت، دار الفكر، بی تا.
تاریخ المدينة، ابن شبه نمیری، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، قم، ۱۴۱۰ق/۱۳۶۸ش.

- تاریخ مدینة دمشق، علی بن حسن ابن عساکر، تحقیق: علی شیر، بیروت، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م.
- تحف العقول، ابن شعبه حرانی، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۴ق.
- تذکره الخواص، سبط بن جوزی، بیروت، مؤسسة أهل البيت (علیه السلام)، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
- التفسیر، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، نجف، ۱۳۸۷ق.
- تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۴ش.
- تهذیب الأسرار فی أصول التصوف، أبوسعید عبد الملئ بن محمد خرگوشی، تحقیق: محمد علی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
- التوحید، محمد بن علی بن حسین قمی صدوق، تصحیح و تعلیق: سید هاشم الحسینی، بی‌تا.
- التوحید، قاضی نعمان مغربی، تهران، نشر حکمت فراز، ۱۴۰۰ش.
- تیسیر المطالب فی آمالی أئی طالب، یحیی بن حسین بن هارون، تحقیق: عبد الله بن حمود العزی، صنعاء، مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية، چاپ اول، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۲م.
- الجرح و التعديل، ابن أبی حاتم الرازی، بیروت / حیدرآباد هند، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۱ق/۱۹۵۲م.
- الجمال، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم، مكتبة الداوری، بی‌تا.
- حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، أبو نعیم أحمد بن عبد الله الأصفهانی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۸م.
- الحيوان، جاحظ، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- دعائم الإسلام، قاضی نعمان مغربی، تحقیق: آصف بن علی أصغرفیضی، قاهره، دار المعارف، بی‌تا.
- روضة الطالبین و عمدة السالکین (مجموعه رسائل الإمام الغزالی)، أبو حامد غزالی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
- زهر الآداب و ثمر الألباب، ابراهیم بن علی القیروانی، بیروت، دار الجلیل، بی‌تا.
- شرح الأخبار، قاضی نعمان مغربی، تحقیق: سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ق.

- شرح التعرف لمذهب التصوف، مستملی بخاری، تحقیق: محمد روشن، تهران، انتشارات
أساطیر، ۱۳۶۳ش.
- شرح نهج البلاغة، ابن أبی الحديد، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم، قاهره، دار إحياء
الكتب العربية، ۱۳۷۸ق/ ۱۹۵۹م.
- شواهد التنزيل، عبيد الله بن أحمد حكيم حسانى، تحقیق: محمد باقر محمودى، تهران،
۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۰م.
- الصحيح، مسلم بن الحجاج النيشابورى، بيروت، دار الفكر، بی تا.
- الصحيفة السجادية، الإمام زين العابدين (عليه السلام)، تحقیق: محمد باقر موحد أبطحى، قم، مؤسسة
الإمام المهدي (عليه السلام)/ مؤسسة الأنصارى، ۱۴۱۱ق.
- الضعفاء، محمد بن عمرو عقيلي، تحقیق: عبد المعطى أمين قلجى، بيروت، دار الكتب
العلمية، ۱۴۱۸ق.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، تحقیق: إحسان عباس، بيروت، دار صادر،
۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.
- العدد القوية، على بن يوسف حلى، تحقیق: سيد مهدي رجائي، إشراف: سيد محمود
مرعشى، قم، مكتبة آية الله المرعشى العامة، ۱۴۰۸ق.
- العقد الفريد، ابن عبد ربه الأندلسى، تحقیق: عبد المجيد الترحينى، بيروت، دار الكتب
العلمية، ۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۳م.
- علل الشرائع، محمد بن على بن حسين قمى صدوق، نجف اشرف، المكتبة الحيدرية،
۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۶م.
- علم القلوب، أبوطالب مكى، تحقیق: عبد القادر أحمد عطا، بيروت، دار الكتب العلمية،
۱۴۲۴ق.
- عيون الأخبار، عبد الله بن مسلم ابن قتيبة، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق.
- الغارات، إبراهيم بن محمد ثقفى، تحقیق: جلال الدين محدث ارموى، تهران، ۱۳۵۵ش.
- غريب الحديث، عبد الله بن مسلم ابن قتيبة، تحقیق: عبد الله جبورى، بيروت،
۱۴۰۸ق/ ۱۹۸۸م.
- الكافي، محمد بن يعقوب كلينى، تحقیق: على اكبر غفارى، تهران، دار الكتب الإسلامية،
۱۳۶۳ش.

- الكامل في ضعفاء الرجال، ابن عدى جرجاني، تحقيق: سهيل زياد، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٩ق/١٩٨٨م.
- كتاب الدعوات، قطب الدين راوندي، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٧ق.
- كتاب السر في أنفاس الصوفية (رسائل الجنيد)، جنيد بغدادى، أبو القاسم، تحقيق: جمال رجب سيد بى، دمشق، دار اقرأ، ١٤٢٥ق.
- كتاب الفتوح، ابن أعثم الكوفي، چاپ على شيرى، بيروت، دار الأضواء، ١٤١١ق.
- كنز العمال، علاء الدين على متقى بن حسام الدين هندی، تحقيق: بكرى حياني، بيروت، ١٤٠٩ق/١٩٨٩م.
- المستدرک على الصحيحين، محمد بن عبد الله الحاكم النيشابورى، تحقيق: يوسف عبد الرحمن المرعشي، بيروت، دار المعرفة، بی تا.
- المسند، أحمد بن حنبل، بيروت، دار صادر، بی تا.
- مصادر نهج البلاغة وأسانيده، السيد عبد الزهراء حسيني خطيب، بيروت، دار الأضواء، ١٤٠٥ق/١٩٨٥م.
- المصنف، ابن أبى شيبة الكوفي، چاپ سعيد اللحام، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٩ق/١٩٨٩م.
- المصنف، عبد الرزاق صنعاني، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، بيروت، إصدارات المكتب الإسلامي، ١٣٩١ق/١٩٧٢م.
- المعيار والموازنة، أبو جعفر اسكافي، تحقيق: محمد باقر محمودي، ١٤٠٢ق/١٩٨١م.
- مقاتل الطالبين، أبو الفرج أصفهاني، تحقيق: كاظم المظفر، نجف اشرف، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥ق/١٩٦٥م.
- مكاشفة القلوب المقرب إلى علام الغيوب، أبو حامد غزالي، تحقيق: عبد المجيد طعمة حلبى، بيروت، دار المعرفة، ١٤٢٢ق.
- مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، محمد بن سليمان كوفى، تحقيق: محمد باقر محمودي، قم، ١٤١٢ق.
- ميزان الاعتدال، شمس الدين محمد بن أحمد ذهبى، تحقيق: على محمد البجاوى، بيروت، دار المعرفة، ١٣٨٢ق/١٩٦٣م.
- نزهة الناظر وتنبية الخاطر، حسين بن محمد حلوانى، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٨ق.

نهج البلاغة، صبرى إبراهيم السيد، نسخه جديدة محققة وموثقة، قطر-الدوحة، دار الثقافة، ١٤٠٦ق/١٩٨٦م.

نهج البلاغة، سيد رضى، تحقيق: صبحى صالح، تصحيح: محمد دشتى، قم، مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤١٧ق.

«تحليل نقدى لآراء وأفكار صبرى إبراهيم السيد فى تحقيق نهج البلاغة»، بكرتشاغ، محمد رضا ومرتضى قدسيان، دراسات حديثه فى نهج البلاغة، السنة الخامسة، العدد الأول، خريف وشتاء ١٤٠٠ش/١٤٤٣ق، من صفحة ٤٥ إلى ٦٢.

«نقد و بررسى روش دكتر صبرى إبراهيم السيد فى نهج البلاغة»، شاه محمدى، سيد زهرا، استاد راهنما: مهدى مهرىزى، دانشگاه قرآن و حديث، اسفند ١٣٩١ش.